

جریانهای فکری در امیرنشینهای آناتولی

و دولتهای قراقوینلو و آق قوینلو *

نوشته: اسماعیل حقی اوزون چارشلی

ترجمه: دکتر وهاب ولی

نگاهی به قرن سیزدهم میلادی

جریانهای فکری در زمان سلجوقیان آناتولی، که پس از جنگهای صلیبی و جدت ترکان را در آسیای صغیر پایه ریزی کرد و سبب پیشرفت تجارت، صنعت، هنر و شعر و دانش در آناتولی گردید، پس از وقوع رویدادی در سال ۱۲۴۳ میلادی، یعنی استیلای مغولان، دچار رکود شد؛ و در نتیجه به علت یک سلسله جریانها و حوادث سیاسی به وقفه‌ای دچار گشت.

در ربع آخر قرن سیزدهم میلادی، دیگر آثار علمی با ارزشی چون *راحة الصدور و آية السرور...*، درباره تاریخ سلجوقیان، که راندوی به نام *غیاث الدین کیخسرو* اول نوشت، مخزن الاسرار، *کلیله و دمنه* نظام الدین گنجوی و *احمد بن غازی* که به نام *رکن الدین سلیمان* نوشته شد، پرتونامه شهاب الدین مقتول

(سهروردی) که به فلیج ارسلان دوم اهدا گردید، انیس القلوب برهان‌الدین عاتوی به زبان فارسی، که وی آن را به نام عزالدین کیکاوس نوشت، و مرصاد العباد نجم‌الدین دایه، که تحفه او به علاء‌الدین کیقیاد بود. همچنین لطائف العالییه فی الفضائل السنیه، اثر احمد بن سعد الزنجانی، که باز به نام همان فرمانروا به رشته تحریر در آمد، به چشم نمی‌خورد.

هر چند نمی‌توان گفت که جریانهای فکری و علمی در زمان استیلای مغولان کاملاً متوقف گردید، ولی روند این جریانها در طی این مدت، یعنی تقریباً تا سال ۱۲۷۰ میلادی، بسیار کند بود، و پس از این تاریخ بتدریج تحرک خود را از سر گرفت.

با اینکه آثاری چون شرح قصیده ابن فارض، اثر سعید کاشانی (قاشانی)، از مریدان صدرالدین قونوی، که به معین‌الدین سلیمان پروانه تقدیم گردید، و منشآت ذکی‌الدین ابوبکر مشهور به صدر مطب نام روضه الکتاب و قسطاس العدالة خطیب محمد بن محمود، که کتابی درباره سیاست بود، در سال ۱۲۸۴ میلادی به نام مسعود دوم نگاشته شد، و سلجوقنامه ابن بی‌بی به زبان فارسی، و همچنین سلجوقنامه منظوم به زبان فارسی، که خواجه دهنانی خراسانی به فرمان علاء‌الدین کیقیاد نگاشت، جزو آثاری هستند که پس از سال ۱۲۷۰ میلادی نوشته شده و در دسترس ماست، که در مقایسه با آثار علمی موجود در نیمه اول همان قرن ارزش علمی کمتری دارند، یا این همه، در اواخر این قرن به آثار بیشتری درباره اشعار صوفیانه و مثنویهایی که ناشر عقاید طریقت مولویه و بابایی بود، برمی‌خوریم که در خور توجه اند، و از این زمان به بعد تصوف در آناتولی، که خود بتهایی موضوع تحقیق و بررسی تواند بود، سریعاً گسترش می‌یابد.

تصوف در زمان سلجوقیان آناتولی، که نظر عنایتی به متصوفان داشتند و ایشان را مساعدت می‌کردند، بویژه در اواخر قرن سیزدهم، در آناتولی مرکزیت و رسمیت یافت. متصوفانی بزرگ، که در جهان اسلام شهرت یافتند، در این محیط می‌زیستند؛ و به طرق گوناگون، بویژه با آثار منظوم خود، به انتشار عقاید و طریقت

خوش می‌پرداختند که تأثیر اساسی اقدامات ایشان در حیات اجتماعی آناتولی قرن چهاردهم آشکارا دیده می‌شود.

ما در اینجا، بی آنکه از شیخ اکبر (محمی‌الدین بن عربی) - که فلسفه وحدت وجود را منتشر ساخت - و از ربیبش صدرالدین قونوی، مولانا جلال‌الدین رومی، نجم‌الدین دایه، فخرالدین و دیگران، که متصوفانی بزرگ بودند و تأثیر مهمی در اوضاع آناتولی قرن سیزدهم گذاشتند بحث به میان آوریم، و نیز بی آنکه به بابایی‌ها بپردازیم، تنها به شرح تأثیر آنان در قرن چهاردهم اکتفا خواهیم کرد.

با بررسی وضع و موقعیت تاریخی امیرنشینهای آناتولی معلوم می‌شود که با وجود اینکه اکثر آنان به کار تأسیس حکومت و تصرف سرزمینهای تازه سرگرم بودند، و علی‌رغم بروز اغتشاشات سیاسی، در رأس فعالیتهای علمی قرار داشتند و یا اینکه از دانشمندان حمایت کردند.

تا زمانهای اخیر، اطلاعات ما در خصوص حوزه‌های فکری در امیرنشینهای آناتولی بس اندک بود. این اطلاعات نیز فقط از چند جلد (۳ تا ۵ جلد) کتاب برگرفته شده، و مسلم است که با این منابع اندک امکان ندارد بتوان سیر فکری دوره امیرنشینهای آناتولی را در قرون چهاردهم و پانزدهم بخوبی مشروح ساخت. اما نظر به آثاری که اخیراً به دست آمد، و شمارشان نیز اندک نیست، ذکر اطلاعاتی اجمالی درباره روند فکری در دوره امیرنشینهای آناتولی، برای خوانندگان خالی از فایده نخواهد بود.

در تمام طول قرن چهاردهم و نیمه اول قرن پانزدهم میلادی، شهرهای قونیه، قیصریه، نیده (نیغده)، سیواس، قسطنطنیه، آنکارا، سینوب، کوتاهیه، بیرگی، تیره، پچین (واقع در قضای میلاس)، ایاسلوق، بورسه، ایزنیک، لادیق (دنیزلی)، گلشهر (عربسون)، قیرشهر، آماسیه، از شهرهای مهم آناتولی و از مراکز علمی بودند. در حقیقت چهار شهر نخست در قرن سیزدهم، یعنی در دوره سلجوقیان آناتولی نیز، جزو مراکز درجه اول علمی به شمار می‌آمدند.

آثار منظوم و منشور علمی، ادبی، صوفیانه و حماسی که در شهرهای مذکور

آناتولی انتشار می‌یافت برای طبقه خواص و همچنین عامه به نگارش درمی‌آمد. ما بی‌آنکه به تحلیل آثار این قرون بپردازیم، فقط با ذکر اسامی آنها درباره جریانهای علمی و فکری در این یک قرن و نیم دوره امپراتوریهای آناتولی به اختصار سخن خواهیم گفت.

سیر فکری در قرن چهاردهم میلادی

همان گونه که قبلاً اشاره شد، امرای آناتولی یا خود شخصاً در تحقیقات فکری و علمی دست داشتند، یا مشوق آن بودند؛ و یا با حمایت از دانشمندان دین خود را به عالم معرفت ادا می‌کردند. امرای مذکور چون به غیر از زبان ترکی به زبان دیگری آشنایی نداشتند، بیشتر به آثاری که به زبان ترکی نوشته می‌شد اهمیت می‌دادند؛ بدین ترتیب هم منافع خود و مردم را از یاد نمی‌بردند، هم به پیشرفت زبان ملی (ترکی) کمک می‌کردند و از همین جهت علاوه بر آثار علمی، برای ترغیب مردم به جنگ و گسترش دامنه فتوحات، آثار حماسی بسیاری، به نظم و نثر، نوشته شد و در میان مردم منتشر گردید.

حکمرانان آناتولی که به مباحث و مناقشات علمی اهمیت می‌دادند، از یک طرف با دعوت از اندیشمندان و توجه و التفات بدانان آنها را تشویق می‌کردند؛ از سوی دیگر، برای تربیت طلاب و دانشجویان و استفاده آنان از منابع و اطلاعات و دانش عالمان، به تأسیس مدارس، کتابخانه‌ها، مؤسسات چیریه و مهمانخانه‌ها همت گماشتند که باقیمانده آثار آنان را امروزه نیز می‌توان دید. از این رو در قرن چهاردهم میلادی، دانشمندان بزرگی را در آناتولی می‌توان دید که ملازم امرای و تحت حمایت آنان بودند. حتی اتفاق می‌افتاد که عالمی که از امیری آزاده خاطر می‌شد، نزد امیری دیگر می‌رفت و از احترام امیر جدید برخوردار می‌شد، و پس از چندی به خواهش و اصرار حکمران پیشین با اعزاز تمام، نزد وی بازگردانده می‌شد.^۲ این طرز رفتار امرای آناتولی با اهل علم و احترامی که به ایشان می‌کردند، نکته‌ای شایان توجه است؛ و به همین جهت است که در قرن چهاردهم، در شهرهای مختلف

آناتولی، فراوان به علما، عرفا، ادبا و شعرایی که آثاری در طب، هیئت، ریاضیات، ادبیات، تاریخ، تصوف و اسلام تصنیف کرده‌اند، برمی‌خوریم.

در میان این قبیل دانشمندان، لازم است از اسحاق بن مراد یاد کنیم که در سال ۱۳۸۹ میلادی، پس از سیاحت در گوهستان ارگیت^۳، در نزدیکی قلعه گرده^۴، اثر مشهور و مهم خود در طب، خلاصه‌الطب، و یا به عنوان مشهورتر منتخب شفاء طب را درباره خواص گیاهان به رشته تحریر در آورد^۵. رساله مذکور شامل دو بخش است: بخش اول درباره گیاهان؛ و بخش دوم درباره تأثیر و موارد استعمال آنها.

شفاء الاسقام، اثر مهم حاجی پاشا، که در سال ۱۳۸۰ میلادی به نام عیسی بیگ آیدین اوغلی، تألیف گردید، نیز از آثار با ارزش آن دوره است. این مؤلف اثر دیگری به نام منتخب شفاء دارد که خلاصه همان اثر قبلی است. منتخب شفاء شامل سه قسمت است:

قسمت اول شامل بخش علمی و عملی؛ قسمت دوم شامل اطعمه و اشربه و ادویه‌جات؛ و قسمت سوم نیز از علایم بیماریها و تداوی و معالجه آنها بحث کرده است. این اثر نیز به نام آیدین اوغلی نوشته شده است^۶.

اختیارات المظفری^۷، در نجوم و هیئت که علامه محمود شیرازی آن را به مظفرالدین باولاق ارسلان، پسر حسام‌الدین چویان، امیر قسطنطنیه، اهدا کرد. با معرفی اثر منظوم و مفصل ترویج الارواح، اثری در طب و حفظ الصحة، نگاشته شاعر و دانشمند، احمدی گرمیانی، می‌توانیم اهمیت آثاری را که در باب طب و هیئت در این دوره نوشته شده نشان دهیم. در میان دانشمندان برجسته این دوره، اطلاعات ما درباره اسحاق بن مراد پیش از این نیست. از جمله آثار حاجی پاشا (خضر بن علی) بزرگترین طبیب دانشمند جهان اسلام در قرن چهاردهم، کتابی است به نام تسهیل. علامه شیرازی، نویسنده اختیارات المظفری (در هیئت)، ابتدا نهایه‌الادراک فی درایة الافلاک را نوشت، بعد آن را تلخیص و با عنوان اختیارات المظفری به نام مظفرالدین کرد. این اثر، که به زبان فارسی است، تحت شماره ۲۵۷۴ در کتابخانه ایاصوفیه موجود است. کتاب مذکور دارای تصاویری نیز هست.

علامه شیرازی همان محمودبن مسعود است که در میان دانشمندان به عنوان مطلق علامه شهرت دارد. وی مدتی در قسطنطنیه اقامت جست، و آثاری به نام مظفرالدین و جاندار اوغلی سلیمان پاشا، حکمرانان قسطنطنیه، نوشت که دومین اثر او به نام انتخاب سلیمانی به نام سلیمان پاشا حکمران چندری (جاندار) است.

اثری به زبان عربی درباره تاریخ پیامبران، که به آیدین اوغلی محمد اهدا شده، وجود دارد که با نام عوائش^۱ به ترکی ترجمه شده است؛ تزهة الکتاب را نیز حسن بن عبدالمؤمن خوبی، به نام پسر مظفرالدین، امیر قسطنطنیه یاد شده به رشته تحریر در آورد. خلاصه همین کتاب، با عنوان قواعدالسنائل به نام پسر مظفرالدین، یعنی امیر محمود، درباره قواعد تألیف گردید. در گوناگونی دانشمندی مشهور به «صاحب السیف» کتابی پرداخت به نام شرح فایده که تاریخ نگارش آن سال ۱۳۴۸ میلادی است و به یکی از امرای دانشمندان، به نام احمدبن باباین عبدالرزاق، تقدیم گردیده است. تفاسیر اخلاصی و فاتحه که به نام مراد ارسلان بن اینانج، امیردینزلی و جواهر الاصداف که به فرمان جاندار اوغلی اسفندیار بیگ نوشته شد و از نظر زبان ترکی امروزه نیز ارزش تحقیق دارد و تفسیری است بر قرآن؛ و سوره «ملک» و به نام خضر بن گول بیگی ترجمه و تفسیر شد. عین الاعیان (تفسیر سوره فاتحه) اثر ملافزاری، که به نام قرمان اوغلی نگارش یافت، از جمله آثاری است که در آنها از دین و تاریخ و علم لغت بحث به میان آمده است. «الفضول الاشرافیه تصنیف شمس الدین محمد نوشتری، که به نام مبارزالدین محمد، از امرای آل اشرف، کتابت شده، اثری است در فلسفه. این اثر در سال ۷۱۰ هجری قمری (۱۳۱۰ میلادی) در قونیه استنساخ گردید. نسخه مذکور تحت شماره ۲۴۴۵ در کتابخانه ایاصوفیه موجود است.

* * *

هنگام بحث از سیرتصوف در قرن سیزدهم، گفتیم که افکار متصوفه در قرن

چهاردهم اثر مهمی به جای گذارد که توجه خوانندگان را بدان جلب کردیم. در این قرن، آناتولی تحت تأثیر دو مسلک مهم، یعنی طریقت مولویه و بابایی قرار داشت. به همین جهت نیز آثار فراوانی در تصوف به وجود آمد. شیخ احمد گلشهری در سال ۱۳۱۷ میلادی فلکنامه را نوشت؛ و همچنین منظومه‌ای در مناقب آخی اوزن^۱، شیخ و مراد خود، پرداخت به نام کرامات آخی اوزن، ترجمه منطقی الطیر فریدالدین عطار، که شیخ آن را با الهام از مولانا جلال‌الدین رومی، سروده و از الهامات خوبش نیز بهره‌ور گردانیده است، از آثار گلشهری است. علاوه بر این آثار، از بخش تاریخ منطقی الطیر گلشهری نیز بی می‌بریم که وی اثری منظوم درباره فقه به نام قدوری دارد.

منظومه شیخ احمد، که شاعر آن به نام سرزمینش (گلشهر) شهرت یافته است، در حدود آن دوره با زمانی زیبا سروده شده. اسلوب گیرا و جاذب منظومه وی و نیز قدرت تصویرسازی و خیالپردازی آن سخت جلب نظر می‌کند.

عربنامه عاشق پاشا - که پرورش یافته گلشهری بود - اثری است شایسته ذکر. این اثر با الهام از آثار مولانا و فرزند وی سلطان ولد، به بیان تصوف برای کسانی پرداخت که فقط با زبان ترکی آشنا بودند.

در اینجا باید از نسیمی و دیوانش یاد کنیم که در انتشار مذهب حروفیه در آناتولی نقش مهمی داشت، و از اواخر قرن چهاردهم میلادی تا زمان حائل در آناتولی و ایران شهرت پیدا کرده است. شکی نیست که نسیمی، که زبانش آذری بوده، از نظر ظرافتی که در اشعارش دیده می‌شود، یکی از شاعران بزرگ به شمار می‌آمده است. نسیمی تا پایان حیات (او در ۱۴۰۴^۱ در حلب مسلوخ گشت) مروج عقاید حروفیان بود.

بهاءالدین سلطان محمد، و پسرش، عارف چلبی بزرگ، که قصاید زیادی به نام سلطان غیات الدین مسعود دوم، آخرین حکمران سلجوقی سروده‌اند، از شاعران صوفی مشرب اوایل این دوره بودند که در انتشار طریقت «مولویه» جهد بلیغ به کار بردند، ولدنامه، ابتدنامه، انتهانامه، کتابهای کوچکی است که همگی

برای نشر عقاید همین طریقت نوشته شده‌اند. رباینامه مشهور به نام الجاتیو خدابنده محمد، فرمانروای ایلخانی، به رشته تحریر در آمد. تذکره افلاکی به نام مناقب العارفين تاج الکاشفين، از احمد افلاکی، که به دستور عارف چلبی بزرگ نوشته شد، اثر دیگری است درباره پیران مکتب مولویه در آناتولی.

ترجمه مثنوی منظوم اثر ابومحنف، از علمای شیعی مذهب، تحت نام مقتلی حسین، به نام جلال الدین بایزید (کوتورم بایزید) که در شهادت حضرت حسین بن علی (ع) سروده شده و از سه هزار بیت درمی‌گذرد، توسط مولوی یوسف، که «مداح» تخلص می‌کرد، در سال ۱۳۶۱ میلادی، و منظومه دیگری، گلشاه و ورقه که در سال ۱۳۶۸ میلادی در سیواس سرود، از آثار شایان ذکر قرن چهاردهم میلادی است. نخستین منظومه، شرح تأثر انگیزی است از واقعه کربلا، دومین اثر نیز که تا این زمان پیوسته مورد توجه مردم بوده است، از یادگارهای ارزشمند ادب آناتولی است.

در اینجا لازم می‌بینیم از یونس امره (خلیفه تپدوق امره) که در اوایل قرن چهاردهم هنوز زنده بود (وفاتش بعد از سال ۱۳۰۷ میلادی است) و شهرت و محبوبیت خود را تا زمان حاضر نیز حفظ کرده است، ذکری به میان آوریم. یونس صاحب دیوانی کامل است که آن رساله‌ای است منظوم با عنوان رسالة النصيحة. او با اشعار صوفیانه‌اش، در شاعران قرن چهاردهم و شاعران متصوف قرون بعد تأثیر بسزایی گذاشت. اسماعیل اتمی و ساتی اوغلی از نخستین پیران وی به شمار می‌آیند.^{۱۲} منظومه‌های یونس امره را با منظومه‌های دو نفر همنام وی (یونس)، که بعد از وی ظهور کردند، اشتباه کرده‌اند، و اشعاری را بدو منسوب داشته‌اند.^{۱۳} در قرن چهاردهم میلادی، علاوه بر آثار علمی، به اشعار و داستان‌هایی مأخوذ از ادبیات ایران نیز برمی‌خوریم. و در واقع این آثار نشان تأثیر بارز ادبیات ایران بر آثار این قرن در آناتولی است که موجب آن ترجمه‌هایی بوده است که پیش از این یاد کردیم. اما در اینجا نکته‌ای قابل توجه است و آن اینکه برخی از آثار مذکور عیناً ترجمه نشدند، بلکه بیشتر اقتباس از آثار ایرانی بودند که با آنها اضافاتی همراه

شده است. مهمترین آنها داستان سهیل نوبهار شیخ صنعان است که اصل آن به زبان فارسی است، و به شیوه خسرو و شیرین سروده شده که هم ترجمه و هم اقتباس است، یک هزار بیت از این اثر منظوم را عزالدین احمد، برادرزاده (با خواهرزاده) مسعود بن احمد، سروده و بقیه را نیز مسعود تکمیل کرده است. یک نسخه این اثر، که تصاویر مینیاتور دارد، در اروپا و در هاتور به چاپ رسیده است. این نسخه نزد مرحوم طلعت بیگ، نماینده مجلس از ناحیه چانقری، بود. این منظومه از آثار خوب شاعر است.

ترجمه فرهنگنامه سعدی نیز که شامل ۱۷۷۲ بیت است، و در حقیقت ترجمه بخشی از بوستان سعدی است، در سال ۱۳۵۴ میلادی پدید آمد، ولی به اندازه سهیل نوبهار موفقیت به دست نیاورد. این اثر متعلق به همان خواجه مسعود بن احمد گلشهری است، ترجمه کلیله و دمنه، که به نام غازی محمود آیدین اوغلی صورت گرفته است، نیز از آن خواجه مسعود است، و نسخه‌ای از آن، تحت شماره ۱۸۹۷، در کتابخانه «لاله‌لی» موجود است. این اثر از فارسی ترجمه شده است.

پس از فراغت از ذکر این آثار، بجاست که از تصنیفات صدرالدین مصطفی شیخ اوغلی، شاعر رماتیک، که ابتدا مصاحب و نشانجی و رئیس مالیه سلیمان شاه گرمیان اوغلی بوده و پس از فوت وی به خدمت دامادش، یلدرم بایزید، درآمد، یاد کنیم. شیخ اوغلی، شاگرد و پیرو خواجه مسعود، با آثاری چون خورشید نامه و کز الکبر اشهرت یافت. شیخ اوغلی داستان منظوم خود، «خورشید و فرحشاد» را که خورشید نامه نام دارد، در ۷۶۴۰ بیت، ابتدا به نام سلیمان شاه گرمیان اوغلی آغاز کرد، ولی پس از مرگ ناگهانی سلیمان، در سال ۱۳۸۸ میلادی، کتاب را در ۷۹۲ هجری قمری/۱۳۹۰ میلادی، با افزودن بخش آل عثمان بدان، به سلیمان چلبی، پسر یلدرم بایزید، تقدیم داشت. کز الکبر، نیز اثری است درباره اخلاق و سیاست. این کتاب، که در سال ۱۴۰۰ م تکمیل شده و حاوی مسائل اجتماعی آن عصر و دارای چهار باب است، ابتدا به چاشنی‌گیر^{۱۴}، حکمران گرمیان، و سپس به پاشا جق آغابن خواجه پاشا، منتسب به عثمانیان، اهدا شد. تنها نسخه این اثر

مهم، در کتابخانه خصوصی مرحوم فؤاد کوپرولو موجود است.

صدرالدین مصطفی شیخ اوغلی قابوسنامه را، که نصایح مؤلف آن است به گیلان‌شاه بن اسکندر بن کیخسرو، حکمران گیلان، به ترکی ترجمه کرد. کسانی بایا علی بن صالح مرندی را، که نسخه موجود اثر مذکور را (در مصر) استنساخ کرده، مترجم اثر مذکور دانسته‌اند. ابن عریشه، قابوسنامه را از روی این ترجمه ترکی به عربی برگرداند. این ترجمه عربی ابن عریشه در سال ۱۲۷۸ هجری قمری/۱۸۶۱ میلادی در مصر به چاپ رسید. قابوسنامه، اثری اجتماعی - سیاسی که توسط صدرالدین مصطفی شیخ اوغلی به نام سلیمان شاه گرمیان اوغلی از فارسی به ترکی ترجمه شد، و نیز مرزبان نامه که به نام حکمران مذکور نوشته شد و توسط شیخ اوغلی به ترکی ترجمه گردید - انا و قوفی بر مندرجات آن نداریم - از آثار متعلق به این دوره است.

علاوه بر توجه به آثار علمی احمدی گرمیانی، که در قرن چهاردهم میلادی اطلاعات زیادی در طب و ریاضیات و تصوف داشت و در میان شاعران همعصر خوش شاعری برجسته بود و در اشعارش شیوه و اوجی دیگر به چشم می‌خورد. تحقیقی توسط توری یوزف^{۱۴} درباره اسکندرنامه وی، که هنوز شهرت خود را حفظ کرده است، تحت عنوان یادگار زبان قدیم ترک صورت گرفته که ترجمه آن در شماره چهارم مجله تبغات ملی انتشار یافته است. احمدی این اثر خود را در سال ۱۳۸۹ میلادی به پایان رساند. موضوع اثر، با اینکه ایرانی است، با اضافات زیادی درباره تاریخ آناتولی و عثمانی همراه است.

محمود بن محمد برجینی (چینی)^{۱۵} بازنامه را، که نوشته‌ای است درباره طغان و شاهین و سایر پرندگان و سگان شکاری و به طور کلی اثری است که شکار را موضوع تحریر قرار داده است، به فرمان محمود بیگ از آل منتشه از فارسی به ترکی ترجمه کرد. او از دانشمندی است که در آناتولی این عصر پرورش یافت.

قاضی برهان‌الدین احمد (متوفی ژوئیه ۱۳۹۸) که در نیمه دوم قرن چهاردهم می‌زیست، نه تنها در سیاست، بلکه با آثار علمی و اشعارش به سه زبان، در ادبیات

نیز کسب شهرت فراوان نمود. او را می‌توان بعد از احمدی گرمیانی از آخرین علمای این دوره به حساب آورد. این حکمران دانشمند اثر خود را به نام اکبر السعادات فی اسرار العبادات، در شهای زمستان سالی که به جنگ رفته بود نوشت. کتاب در سه باب تدوین گردیده است^{۱۶}. قاضی برهان‌الدین کتاب تلویح سعدالدین تغتازانی را که در فقه است، نقادی کرده و با پرداختن اثری به نام ترجیح التوضیح، به رد تلویح پرداخته است. وی سعدالدین را برای آنکه در آغاز اثرش نوشته بود که تحت تأثیر متفکران ایران قرار گرفته است، به نام عرفان ترک مورد اعتراض قرار داد. او از فقهای بزرگ مذهب حنفی بود.

در نظر ادبای برجسته عرب، اشعار عربی برهان‌الدین احمد، اشعاری نغز و قوی است. رباعیات و غزلیات او به زبان ترکی و لهجه آذری زبانی ناهموار دارد؛ اما در میان این اشعار قطعات زیبایی تیره به چشم می‌خورد که انعکاس تخیل زلال و روحیه خشن و جنگاور برهان‌الدین احمد است. از عناوین آثار مختلفی که در دسترس داریم، معلوم می‌شود که برهان‌الدین احمد کتابخانه زیبا و معظمی داشته است. کتاب بزم و رزم عزیز استرآبادی، که منعی در تاریخ آناتولی به شمار می‌رود و به فرمان قاضی برهان‌الدین احمد درباره وقایع آن عصر به رشته تحریر درآمده است، روشنگر بخشی از تاریخ آناتولی است و از این لحاظ جزو آثار قابل ذکر است. در این دوره صاروخان و پسرش الیاس، و برادرش علی بیگ، از آل صاروخان، بویژه خضر شاهین اسحاق، موقوفات زیادی به مؤسسات علمی و اجتماعی اختصاص داده بودند. همچنین اثری با عنوان کتاب بهنامه شاهی به نام یعقوب بن دولت خان، از خاندان صاروخان، وجود دارد که توسط دانشمندی به نام صلاح‌الدین از فارسی به ترکی ترجمه شده است. اصل اثر از آن نصیر طوسی است.

قبل از پایان دادن به این بخش، به طور اختصار از فعالیت‌های علمی که از زمان سلجوقیان به بعد در آماسیه جریان داشت، سخنی به میان می‌آوریم. در آماسیه، در زمان امارت حاجی شادگلدی پاشا، از شخصیت‌های دانشمند، آرتنه و

پسرش امیر احمد، آناری هم به نام این امرا و هم به طور مستقل نگارش یافت. از آن جمله است نفوح الامراء^{۱۷}، ترجمه روضه العلماء در مواعظ و حکمت اسلامی تصنیف محمد جمال الدین آقسرای، به نام حاجی شادگلدی پاشا؛ کتاب الاستئذیه و الاجوبه در فقه از مصنفات همین دانشمند، به نام حاجی شادگلدی؛ کتاب الدرر المستوره در فقه شامل ۲۱۵ مناظره شرعی، از عزالدین محمد آماسیایی به نام حکمران پیشین؛ شرح مفتاح در فن بلاغت، از حسام الدین قاطعی، به نام امیر احمد بن حاجی شادگلدی. همچنین می‌دانیم که حاجی شادگلدی، اثری در فقه و اصول، به نام المسائل المنثور، نوشت. او و پسرش امیر احمد هر یک کتابخانه‌ای مهم داشتند.

در میان امرای آناتولی در قرن چهاردهم، مظفرالدین یا ولاق ارسلان، امیر قسطنطنیه، ارته حکمران سیواس، قاضی برهان الدین احمد، حاجی شادگلدی پاشا، امیر آماسیه، عیسی بن آبدین، و اسحاق بیگ صارو خان، از حکمرانان دانشور زمان خود بودند. از میان امرای مذکور، ارته همسر خود را نیز در مناقشات و مباحثات علمی شرکت می‌داد. همان‌گونه که این بطوطه گفته است ارته زبان عربی را با فصاحت و سلاست تمام صحبت می‌کرد. وی خود مردی محقق و متبع بود و در مسائل شرعی به تقی الدین علی الشبکی (منوفی ۱۳۴۹ میلادی)، از علمای مشهور، رجوع می‌کرد.

قاضی برهان الدین احمد نیز سه روز از هفته را به مباحثه با علما اختصاص داده بود. علامه شیرازی مشهور در آغاز اثر خود، انتخاب سلیمانی، که برای سلیمان شاه جاندار اوغلی، حکمران قسطنطنیه، نوشت، آورده است که این حکمران با آنکه هنوز جوان است همه اوقات خود را صرف تمشیت امور کشور و محاضره با علما کرده است.

اگر مطالب خلاصه شده‌ای که در فوق آمد بدقت از نظر بگذرانیم، متوجه می‌شویم که از قرن چهاردهم به بعد، اهمیتی که امرای آناتولی برای حیات عرفانی قابل بوده‌اند، قابل ملاحظه بوده است. در این قرن آثار فارسی زبانان، اعم از آثار

علمی و اشعار شاعران پارسی زبان، مورد توجه و استفاده فراوان بوده است. تکرار می‌کنیم که بخشی از آثار دانشمندان و شاعران ایرانی که به زبان ترکی ترجمه شد، ترجمه صرف نیست، بلکه با اضافات و توضیحاتی به زبان ترکی درآمده است. قطعاتی که عیناً ترجمه شده است نیز با دقت بسیار به ترکی برگردانده شده‌اند، و بخش مهمی از ترجمه‌هایی که صورت گرفته است به دلیل اخذ و استفاده از اصول و قواعد فارسی و عربی استقلال زبان ترکی را متزلزل کرده است.

جریانات فکری قرن پانزدهم میلادی

در این عصر نیز، همانند قرن پیش از آن، در تعداد رشته‌های علمی، و همچنین در موضوعات شعر و ادب به صورت تألیف و ترجمه تکامل و پیشرفت زیادی می‌بینیم. در این قرن، پس از واقعه سال ۱۴۰۲ میلادی، یعنی بعد از جنگ آنکارا، [بین تیمور و یلدرم بایزید]، امیرنشاهی آناتولی، که حدود نیم قرن از حاکمیت و استیلای عثمانیان رهایی یافتند، با وجود غائله‌های سیاسی، جریانات و فعالیت‌های فکری را ادامه دادند.

گفتیم که در قرن چهاردهم برخی از شهرهای آناتولی جزو مراکز علمی بود. در قرن پانزدهم نیز این شهرها هنوز شهرت خود را از این لحاظ حفظ کرده بودند. شهرهای آماسیه و بورسه آل عثمان، و شهرهای قونیه، کوناخه، و قسطنطنیه آل جاندار، گرمیان و قرمان، از مهمترین مراکز علمی این امیرنشاهیها بودند. ولی اعتبار سیواس و قیصریه که تا اواخر قرن چهاردهم ادامه داشت، روبه کاستی نهاد، و شهرهای تیره، ایاسلوک (سلجوق)، نیز تنها قسمتی از فعالیت‌های علمی پیشین خود را حفظ کردند.

حکام قرمان، گرمیان و قسطنطنیه که علمای بزرگی را پیرامون خود جمع کرده بودند و آنها را تحت حمایت خویش داشتند، تا نیمه اول قرن مذکور توانستند بر قدرت خود باقی بمانند؛ ولی در نیمه دوم این قرن این قدرت به طور کلی به دربار عثمانی، و نیز مراکز اقامت شاهزادگان عثمانی، منتقل گردید.

بعد از سال ۱۴۲۰ میلادی، قسمتی از این امیرنشینها به تصرف عثمانیها درآمد و بقیه نیز تقریباً تا سال ۱۴۷۰ میلادی تحت کنترل عثمانیان فرار گرفت؛ لذا از این تاریخ به بعد، عزیمت اندیشمندان به دربار عثمانی و نیز گردآمدن در ولایاتی که شاهزادگان عثمانی در آنجا اقامت داشتند امری طبیعی می نمود. در نیمه اول قرن پانزدهم، هنگامی که آثار زیادی به زبان ترکی، به نام مراد بیگ دوم، حکمران عثمانی، و امرای وی به وجود آمد، آل قرمان نیز بناهای بزرگ تاریخی را در سایه وجود دانشمندان ترقی و توسعه می دادند.

شهنامه فارسی آل قرمان را که شاعر یاری جانی، به امر علاءالدین بیگ اول قرمان اوغلی (متوفی ۱۳۹۸ میلادی)، در اواخر قرن چهاردهم، پرداخت، در اواخر قرن پانزدهم دانشمند شکاری (متوفی ۱۵۰۶ میلادی)، با اضافاتی به ترکی ترجمه کرد. حکمرانان همان سلسله با جلب شعرا، علما و ادبایی چون علامه فیض الله، خواجه فقیه، فخار، حلیمی، نظامی و خضر بن محمود^{۱۸} به دربار خود، به عرفان ترک خدمتی شایسته کردند.

حمزه قرمانی (متوفی ۱۴۶۶ میلادی) صاحب تفسیر التفسیر، که از جانب ابراهیم بیگ، حکمران قرمان، به عنوان نماینده تام الاختیار نزد مراد دوم [عثمانی]، فرستاده شد، در تفسیر و حدیث دستی قوی داشت. همچنین، قریعقوب نیده ای، مؤلف اشراق التواریخ، (متوفی ۱۴۲۹ میلادی)، که در فسیه قرمان به تدریس اشتغال داشت، و نیز ساری یعقوب، که عالمی مدقق بود، از دانشمندان دوره آل قرمان بودند.^{۱۹}

در زمان اسماعیل بیگ جاندار اوغلی، حکمران قسطنطنیه، که در جنبشهای علمی سرزمینش نقش پیشوایی داشت و کتابهایش او را در جهان اسلام شهره ساخته بود، قسطنطنیه به صورت مهمترین شهر علمی درآمد. حتی پس از اسماعیل بیگ نیز بذرهایی که وی کاشته بود مدتهای مدید بارآوری داشت.^{۲۰} دانشمندانی چون سیدعلی عجمی، از شاگردان سیدشریف، و فتح الله شیروانی، متخصص ریاضی، از شاگردان قاضی زاده رومی بورسایی، عمر قسطنطنیه،

متخصصی قرائت، که رساله منجیه مشهور خود را در تجوید به نام اسماعیل بیگ نوشت، و همچنین یونس بن خلیل که معیار الاشرار و الاخیار را به نام اسماعیل بیگ تألیف کرد، و محی الدین نیکساری، که اسماعیل بیگ برای بزرگداشت مقام علمی او مدرسه و کتابخانه ای به نام وی ساخت، و مقبل بن مؤمن، صاحب اثر طبئی مفصل ترکی^{۲۱} ذخیره مرادیه و مفتاح النور و خزائن السرور، که کمال بود و در فنون طب دست داشت، و شعرا و ادبایی چون محمد سینوبی، ترابی قسطنطنیایی، حامدی، سنایی و خاکی، از دربار اسماعیل بیگ جاندار اوغلی بودند. کمال الدین، ادیب و طبیب تبریزی الاصل، که بعد از ورود به آناتولی در خدمت جاندار اوغلی بود، بعدها به دستگاه عثمانیان درآمد.

جنبشهای علمی که در سرزمین آل جاندار از زمان سلیمان پاشا شروع گردید، در قرن پانزدهم به نهایت درجه پیشرفت رسید. در این میان، در سال ۱۴۱۴، اثری به نام معراج نامه به نام خضر بیگ بن اسفندیار، والی بافرا، تصنیف گردید. گذشته از آن، اثر دیگری به نام خلاصه الطب، به زبان ترکی، به نام قاسم بیگ، پسر دیگر اسفندیار، نوشته شد.

اسماعیل بیگ، هنگام نوشتن اثر مشهور خود، حلویات شاهی در هفتاد باب، به زبان ترکی، درباره حقوق اسلامی، از دانشمندان اطراف خود نیز خواست تا به تألیف و ترجمه آثاری به زبان ترکی بپردازند. اسماعیل بیگ که با تأسیس مساجد جامع، مدرسه، کتابخانه، پل و کاروانسرا، شهرها و قصبات تحت حکومت خود را رونق بخشیده بود، شاخصترین چهره خاندان جاندار است.

آل جاندار، که در زمان حکومتشان آثاری خواه به نام حکمرانان این سلسله و یا به صورت مستقل در طی مدت متجاوز از یک قرن و نیم در سرزمینشان به وجود آمده بود، بویژه به این مسئله اهمیت می دادند که نگارشها به زبان ترکی باشد.

دربار یعقوب بیگ دوم، حکمران گرمیان و از امرای آناتولی، همان قدرت و ارزش علمی دوره پدرش را حفظ کرد. کسانی چون احمد داعی، شیخی سنان، و اسحاق فقیه، از شعرا و علمای بزرگی بودند که در قرن پانزدهم در دربار آنها

برخوردار از مراحم آنان بودند. از میان این گسان، اسحاق فقیه که تاکنون معلوم نشده که آیا اثری داشته است یا خیر، از افراد بانفوذ علمی و سیاسی زمان سلیمان شاه و پسرش یعقوب بیگ بوده است.

شیخی سنان، که وفاتش پس از سال ۱۴۲۸ میلادی بوده است و در روستای دملوینار که در فاصله بالنسبه نزدیک از زادگاهش کوناهیه دفن شده است، از علما و شعرای ترک بود و «شیخ الشعرا» شهرت داشت. او در علم و ادب یکی از شخصیت‌های بارز زمان خود بود. «شیخی» که مصاحب و پزشک یعقوب بیگ بود در رثای ولینعتش مرثیه‌ای سرود. جلیلی محمد (حکمران عثمانی) به اصرار از یعقوب بیگ خواست تا او را نزد وی فرستد و از آن پس شیخی تحت حمایت دربار عثمانی درآمد و بعدها خود را بدانان منتسب کرد. او با سروده‌های زیبا و بدیع خویش مقام ملک الشعرا را یافت. در اینجا نمی‌خواهیم از آثار شیخی و قدرت وی در سرودن شعر سخنی بگوییم، فقط اشاره می‌کنیم که وی در دربار آل گرمیان پرورش یافت.

در میان شعرای آناتولی احمد داعی، گرمیانی، که پرورش یافته دربار یعقوب بیگ بود، اشعاری به شیوه نو سرود؛ با اینهمه، شهرت شیخی را نیافت. به همین سبب نیز برخلاف شیخی به تصوف نگرایید. داعی که دیوانی کامل دارد و آثاری نیز به نام مراد دوم، پادشاه عثمانی، و امرایش نوشته است، اثری نیز به نام تعبیرنامه به نام یعقوب بیگ قرمان اوغلی نگاشته است. این اثر، که بعداً بنا به فرمان یعقوب بیگ از فارسی به ترکی ترجمه گردید، آخرین یادگاری است که در قرن پانزدهم، به نام امرای گرمیان تحریر شده است.^{۳۳}

در اینجا با ذکر نام محمد بن محمود شیروانی و کتاب الیاسیه او که در طب نوشته شده و به نام الیاس بیگ منتسب اوغلی است و بعد به فرمان الیاس بیگ آن را به ترکی ترجمه کرد، به خلاصه آنچه که درباره حیات فکری قرن پانزدهم گفته شده پایان می‌دهیم.

خضر شاه بیگ، پسر اسحاق بیگ از آل صاروخان، به پیروی از پدر خود که

در پایان قرن چهاردهم در سرزمین خویش مؤسسات علمی و اجتماعی بنا نهاد، نکایا و مساجد جامع ساخت. کتاب الشطرنج، که بر روی آن طغرابی به صورت «خضر بن اسحاق بن الیاس بن صاروخان» وجود دارد و مؤلف آن ناشناخته است، به نام این حکمران و یا احتمالاً برای کتابخانه وی نوشته شده است.^{۳۴}

حیات فکری در دوره قراقوینلوها و آق قوینلوها

روشنایی علمی موجود در آناتولی شرقی و ایران که متجاوز از نیم قرن (۱۳۳۰ - ۱۴۱۰ میلادی) به علت حوادث سیاسی کورسویی می‌زد، در نیمه اول قرن پانزدهم در بخشی مجدد یافت. دولت‌های قراقوینلو و آق قوینلو تبریز را مرکز فعالیت خود قرار دادند، و این شهر، که از زمان ایلخانان شهر مهم علمی محسوب می‌شد، سعی می‌کرد با بهای دیگر مراکز علمی پیش رود و قدرت و موقعیت سابق خود را به دست آورد. قرايوسف بیگ، فرمانروای قراقوینلوها، در عین حال که به تنظیم تشکیلات نظامی و رونق تجارت و زراعت سرزمینش توجه داشت از ایجاد برخی مؤسسات نیز غافل نماند.

می‌دانیم که جهان‌شاه، پسر قرايوسف، اشعاری با تخلص «حقیقی» می‌سرود و با عبدالرحمان جامی مکاتبه داشت. او با دیگر شاعران نیز حشرونشر داشت. شاه بوداق و دودختر اسکندر میرزانیز، شاعر بودند. جلال‌الدین دوانی، شاعر مشهور، قبل از آنکه به خدمت آق قوینلوها درآید از منتسبین جهان‌شاه بود و در تبریز، در مدرسه وی، به شغل تدریس اشتغال داشت. دوانی رساله حروف را که اثری بود جهت استخراج احکام از حروف جفر (علم حروف) به نام جهان‌شاه قراقوینلو به فارسی تألیف کرد. شیخ شجاع‌الدین بن کمال‌الدین کرمانی، از منتسبین شیخ مولانا قاسمی، نیز اثر خود حقیقه المعارف را، پس از آنکه آن را در سال ۸۶۷ هجری قمری/۱۴۶۲ میلادی، تکمیل کرد و شرح گلشن راز نامید، به جهان‌شاه تقدیم داشت. شاعر مولانا طوسی نیز از منتسبین جهان‌شاه و پسرش شاه بوداق بود. پس از مرگ جهان‌شاه، که دوستدار شعر و موسیقی بود، مبارزه بر سر

تاج و تخت قراقوینلوها چندان به طول نیانجامید. استیلای اوزون حسن بیگ، فرمانروای آق قوینلوها، ابتدا بر آذربایجان و بعد بر تمام ایران و عراق، رونقی تازه به فعالیت‌های فکری بخشید. اوزون حسن بیگ در صدد بود دولتی بزرگ، و بنا به تعبیری دیگر، یک امپراتوری بزرگ شرقی به وجود آورد، و دولتش را بر پایه‌ای مستحکم بنا نماید. او پس از آنکه تشکیلات اداری و نظامی کاملی به وجود آورد، چون اهمیت زیادی برای علوم و فنون قایل بود، به تأسیس و احیای مدارس و مؤسسات خیریه در تبریز و سایر شهرها پرداخت و علما و شعرا و ادبای ایران و عراق و ماوراءالنهر و ترکستان را به دربار خویش خواند و از این نواحی فضلایی را در دربار خود جمع آورد.

علی قوشچی، ریاضیدان مشهور و عالم هیئت، بعد از قتل ولینعمتش، الغ بیگ، از پسر وی روی گرداند و به بهانه سفر حج دیار خود را ترک گفت و در تبریز بنا به اصرار اوزون حسن بیگ ماندگار شد. همچنین جلال‌الدین دوانی، که عالمی بزرگ و شاعری ارجمند بود، از مراحم و الطاف فراوان حسن بیگ برخوردار شد و اثر مشهور خود، *لوامع الاشراف فی مکارم الاخلاق*، را که به نام *اخلاق جلالی* نیز شهرت دارد و به زبان انگلیسی نیز ترجمه شده است، به اوزون حسن بیگ اهدا کرد. کتاب *عروضنامه* نیز که توصیفی است از اوضاع نظامی دوره اوزون حسن بیگ، از آثار دوانی است. همچنین به فرمان اوزون حسن بیگ، دانشمندی به نام منصورین محمد، کتابی به نام *جواهرنامه* نوشت که حاوی نحوه به وجود آمدن بیست ماده با ارزش و اوصاف و نحوه کاربرد آنها بود. داستان «قیران حبشی» نیز، که از فارسی به ترکی ترجمه شده است، باید به نام وی باشد.

جلال‌الدین دوانی که آثاری به نام اوزون حسن بیگ نوشته است، علاقه‌ای وافر به تشکیل مجالس مباحثه داشت و خود در آن مجالس حضور می‌یافت و از استماع مناظرات لذت می‌برد و به مسائل علمی نیز وقوف و آگاهی داشت^{۲۲}، و پسرانش خلیل خان [سلطان] و یعقوب خان [سلطان]، در زمان خاندان آق قوینلو به آسودگی می‌زیست. جلال‌الدین دوانی، که در ۱۵۰۲ میلادی درگذشت، حاشیه

فدیمه را در خصوص تجوید از علم کلام، به نام سلطان خلیل، و اثر دیگرش به نام *رساله عدالت* را نیز به نام یعقوب خان تألیف کرد.

مولانا ابوبکر طهرانی که کتاب خود را با عنوان کتاب دیار بکر به وقایع زمان اوزون حسن بیگ اختصاص داد، و نیز ریاضیدان مشهور، محمود جان و قاضی مسیح‌الدین عیسی ساوجی دانشمند، جلال‌الدین دوانی، علی قوشچی و ادریس بدلیسی، در دستگاه اوزون حسن بیگ به سر می‌برده‌اند.

در کتابخانه اوزون حسن بیگ ۵۸ تن کارمند و مأمور، عهده‌دار وظایف مختلف بودند. تعداد این کارکنان اهمیت و احترامی را که این فرمانروای شرق برای علم و دانش قایل بود بخوبی نشان می‌دهد. تعداد افراد گروه موسیقی، که «اهل طرب» نامیده می‌شدند و حتی در جنگها نیز در التزام اوزون حسن بیگ، که به شنیدن موسیقی اهتمام داشت، ۹۸ نفر بود^{۲۵}. در زمان یعقوب خان (متوفی ۱۴۹۰ میلادی)، پسر اوزون حسن بیگ، موسیقی و شعر و دانش بهتر و کاملتر رواج یافت.

دوره یعقوب خان را، که به حمایت از خوشنویسان و شاعران پارسی‌گوی و ترکی‌گوی و موسیقی دانان مشهور بوده و قصاید زیادی به نامش سروده شده است^{۲۶}، باید در خشانترین تیم قرن [آق‌قویونلو] دانست که طی آن اعضای خاندان این سلسله به علم و دانش توجهی بسزا نمودند.

قاضی عیسی ساوجی، که از نزدیکان فرمانروا بود، عالم و شاعری بلندمرتبه به شمار می‌رفت. نجم‌الدین مسعود، از احفاد شیخ شرف‌الدین محمود درگزینی، و ادریس بدلیسی مشهور کاتب و نشانجی دیوان آق قوینلوها، فضل‌الله روزبهان مؤلف تاریخ عالم آرای امینی، جلال‌الدین دوانی، مولانا شاه محمود، دانشمند و شاعر مشهور و پسر ابوبکر طهرانی، و شاعر خرمی که توجه بیش از حد یعقوب خان را به خود جلب کرده بود، و امیر همایون از شعرا، مولانا انیسی خوارزمی، حبیبی شرقی، درویش دهکی، و دیگر از ادبا و شاعران در این دوره، خوش درخشیدند. تاریخ عالم آرای فضل‌الله روزبهان شرح حوادث زمان یعقوب بیگ است که بنا به

فرمان وی نوشته شد. روزبهان داستانی با نام *مدیح الزمان فی قصه حیی بن یقظان* دارد که در سال ۱۴۸۷ میلادی به نام یعقوب خان نوشته است. روزبهان، پسر فضل‌الله، از امرای آق‌قویونلوها بود و اثر خود به نام *ثمره الاشجار* را به یعقوب خان اهدا کرد.

می‌دانیم که قاسم بیگ بن جهانگیر، از خاندان آق‌قویونلوها که بر ساردين حکومت می‌کرد، کتابخانه‌ای در اختیار خود داشت^{۲۷}. دوره گوده احمد بیگ (متوفی ۱۴۹۷ میلادی) را باید ادامه و پایان دوره یعقوب خان و آق‌قویونلوها محسوب کرد.

هنگام مطالعه جریانات علمی در قلمرو امیرنشینهای آناتولی قرن پانزدهم و آثار به وجود آمده در رشته‌های مختلف علمی از قبیل حدیث، اخلاق، تصوف، کلام، فقه، هیئت، ریاضیات، طب، تاریخ، سیاست، شعر و ادبیات، به نظر می‌آید که آثار این دوره در قیاس با یک قرن قبل، زیاتر و پخته‌تر و نزدیک‌تر به زبان ترکی ترجمه شده است. به همین قیاس، آثار مربوط به ریاضیات، طب و هیئت بیشتر و فراوانتر به چشم می‌خورد. گذشته از آن، سرودهای این دوره، چه از آن شاعران مشهور و رسمی و چه از آن شاعران توده، تحسین ما را بیشتر برمی‌انگیزند^{۲۸}.

هوشی و مآخذ

این مقاله ترجمه بخشی از کتاب امیرنشینهای آناتولی و دولت‌های قراونلو و آق‌قویونلو، اثر پروفسور اسماعیل حق اوزون چارشلی است. - م.

۱. بابایی، تامش باباالیاس و از مردم ایران است. در آمانیه به پیشوایی بر نشست و مردمان بسیار گرد آورد. و در حضرت سلطان اورخان تقرب یافت؛ سپس به سبب احترام از نزدیکی با او خود و مریدانش از ممالک عثمانی رانده شدند. بابایی نسبتی است که به مردمان شیخ داده شده است (به نقل از لغتنامه دهخدا، و لغات تاریخیه و جغرافیة ترکی، ج ۲، ص ۱۵ - م).

۲. در این میان فرمان اوغلی برای ملافتاری، که از فرمانروای عثمانی رنجیده بود و نزد فرمان اوغلی آمده بود، روزانه یک هزار آغجه و برای شاگردش نیز پانصد آغجه تخصیص داد. (شقایق، ص ۵۱)

۳. گوه اریت ویا ارگیت Argit در محل تقاطع برتین و ناحیه اولوس و صفران بولی (زعفران بولی) قرار دارد و در نقشه‌ها به صورت گوه اریت ضبط می‌شود.

4. Gerode

۵. اثر مؤلف خواص الاذویه در کتاب علم در تاریخ عثمانی به نام مرادین اسحاق ذکر شده است و تاریخ آن نیز ۷۹۲ هـ ق/ ۱۳۸۷ م است. اطلاعات موجود در این اثر برگرفته از ذخیره خوارزمشاهی زین‌الدین جرجانی و قانون نامه این سنیاست (کتابخانه ملت، طب، شماره ۱۰۹).

۶. در کتابخانه ایاصوفیه نسخه از این کتاب با شماره‌های ۲۵۷۴ و ۲۵۷۵، موجود است.

۷. یک نسخه از این اثر منظوم و مفصل در کتابخانه ایاصوفیه، تحت شماره ۲۵۹۵، ثبت شده که به یلدیرم بایزید اهدا گردیده است.

۸. یک نسخه از آن در کتابخانه اولو جامع فورسه، و نسخه دیگر آن نیز نزد احمد بیگ، رئیس دادگاه ارتوین Artvin، است.

۹. همچنانکه قبلاً اشاره شد، این مقاله بخشی از کتاب امیرنشینهای آناتولی و دولت‌های قراونلو و آق‌قویونلو است، منظور مؤلف بخش‌های قبلی کتاب است. - م.

10. Ahi Evren==

۱۱. تاریخ قوت نسیمی در مجالس العشاق، که تصنیف کمال‌الدین ابوالغازی سلطان حسین بن منصورین بایقر است. سال ۸۳۷ هـ ق/ ۱۴۳۳ م، ذکر شده است (کتابخانه ملی پاریس، نسخه‌های خطی فارسی، بخش تعلیقات، شماره ۱۴۲۴ و کتابخانه مرحوم مکریم خلیل ینانج).

۱۲. برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع کنید به اثر عبدالیاقی (گلینارلی) تحت عنوان یونس.

۱۳. «چاشنی گیر» مقامی در دوره عثمانی بود. - م.

14. Turi Yazef

۱۵. در حال حاضر قصهٔ بچین، برجین، بچین، روستایی نزدیک میلان است که در زمان آک منشته مرکز حکومت بود.

۱۶. اکسیر السعادات فی اسرار العبادات بعدها به فرمان تیمورتاش پاشا زاده محمود بیگ، تحت نام قره‌عین الطالبین به ترکی ترجمه شد.

۱۷. تفریح الامراء، تحت شمارهٔ ۲۳۴۷، مطبوع در کتابخانهٔ تور عثمانیه، و تاریخ آمانیه، ج ۳، ص ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۳۰.

۱۸. در خصوص بخار و نظامی رجوع کنید به جامع النظائر و تذکره لطیفی، خضرین محسود در وقتنامهٔ ابراهیم بیگ جزو شاهدان آمده است (بولتن، شمارهٔ ۱، از انتشارات «انجمن تاریخ ترک»).

۱۹. این دو دانشمند نزد ملا فناری مشهور تعلیم دیدند. مؤلفان عثمانی، فصل «علما»، ج ۱، ص ۳۴۱، ۳۹۷؛ و شقایق نعمانیه.

۲۰. جعفرین حاجی داود کتاب لغت مجموع اللغات شناسی بیگ را پس از فوت وی در ناحیه انلی صواویر توابع قسطنطنیه در اوایل قرن پانزدهم تکمیل کرد. کلمات عربی موجود در این اثر، که از ۲۸ باب تشکیل یافته است، به فارسی و ترکی ترجمه شده است.

۲۱. ذخیرهٔ مرادیه را نیز در ۸۴۱ هـ (۱۴۴۲ م) نیز به نام مراد دوم پادشاه عثمانی تألیف کرد.

۲۲. ترجمهٔ این تعبیر نامه، تحت شمارهٔ ۵۸۸ در کتابخانهٔ حکیم اوغلی موجود است.

۲۳. کتابخانهٔ اسعد اقتدی، شمارهٔ ۲۸۶۶.

۲۴. این اجه، مؤلف تاریخ پیشیک، می‌نویسد که اوزون حسین بیگ هر هفته، شهای جمعه، علمای تبریز را به حضور خود می‌خواند و صحیح بخاری را قرائت می‌کرد و آنها را به مباحثه دربارهٔ آن وامی‌داشت.

۲۵. عر ضنامه.

۲۶. لب التواریخ، میرزا حبیب، متوفی ۱۵۵۳.

۲۷. مستد امام اعظم، کتابخانهٔ چورلو، شمارهٔ ۱۳۹.

۲۸. آثار زیر برای نوشتن بخش مربوط به جریانات فکری قرون چهاردهم و پانزدهم میلادی مورد استفاده قرار گرفت: تاریخ ادبیات ترک و متصوفان اولیه، از مرحوم قواد کورولو، و دو مقالهٔ وی در مجلهٔ جدید ترک، و نوشته‌های مربوط به ادبیات ترک آناتولی در قرون سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم میلادی؛ سفرنامهٔ ابن بطوطه و یادداشت‌های به دست آمده از امرای آناتولی و سایر حکمرانانی که از آنها نام برده‌ایم که از کتابخانه‌های مختلف به دست آوردیم؛ عر ضنامه؛ جامع الدول؛ کشف الظنون؛ شقایق نعمانیه؛ درر کامنه شهر سنواس؛ عجائب المقذور؛ اعیان العصر؛ احسن التواریخ؛ مجموعه‌ای حاوی آثار جلال‌الدین دوانی؛ آثار مکتوب مربوط به قراقونلوها و آق قویونلوها به زبان

فارسی (کتابخانهٔ ملت)؛ لب التواریخ؛ تذکرهٔ سام میرزا؛ مجالس المؤمنین (کتابخانهٔ خصوصی مکرمین خلیل پناج)؛ مجالس العشاق؛ تذکرهٔ دولتشاه؛ تاریخ پیشیک؛ تذکره‌های شعرا؛ و یادداشت‌های مختلفی که از پاره‌ای آثار و تواریخ گرد آورده‌ایم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجموع علوم انسانی